درحالی مرا نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم بردند که شپش بر صورتم می ریخت. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «فکر نمی کردم اینگونه دچار مشکل شده ای. آیا می توانی گوسفندی پیدا کنی؟». گفتم: خیر. پس رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «سه روز روزه بگیر یا شش مسکین را غذا بده».

از عبدالله بن معقل روایت است که می گوید: با کعب بن عُجْرَه نشستم و از او درباره ی فدیه پرسیدم. وی گفت: این آیه در مورد من نازل گردیده و عام بوده و شما را هم شامل می شود. درحالی مرا نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم بردند که شپش بر صورتم می ریخت. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «ما كُنْتُ أُرَى الوَجَعَ بَلَغَ بِكَ ما أَرَى - أو مَا كُنْتُ أُرَى أَنَّ الْجَهْدَ بَلَغَ مِنْكَ مَا أَرَى - أَتَجِدُ شَاةً»: «فکر نمی کردم اینگونه دچار مشکل شده ای. آیا می توانی گوسفندی پیدا کنی؟». گفتم: خیر. پس رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «صُم ثَلاثَةِ أَيَّامٍ، أَوْ أطْعم سِتَّةِ مَسَاكِينَ، - لِكُلِّ مِسْكِينٍ نِصْفَ صَاعٍ»: «سه روز روزه بگیر یا شش مسکین را غذا بده - به هریک از آنها نصف صاع غذا بده-». و در روایتی آمده است: رسول الله صلی الله علیه وسلم او را امر نمود تا سه صاع غذا را بین شش فقیر توزیع کند یا گوسفندی را قربانی کند یا سه روز روزه بگیرد.

[صحیح است] [متفق علیه]

رسول الله صلی الله علیه وسلم کعب بن عجره رضی الله عنه را در حدیبیه و درحال احرام می بیند که در اثر بیماری، شپش ها از سر به صورتش می ریزد؛ بنابراین دلش به حال او می سوزد و می فرماید: «گمان نمی کردم چنین دچار مشکل شده ای». سپس از او سوال می کند: «آیا می توانی گوسفندی پیدا کنی؟» که پاسخ کعب منفی است. بنابراین الله متعال این آیه را نازل می کند: «فَمَنْ كَانَ مِنْكُم مَرِيضَاً أَوْ به أَذَىً مِنْ رَأسِه فَفِدْيَة مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ» [بقره: 196] «و اگر کسی از شما بیمار بود و یا ناراحتی ای در سر داشت [که ناچار بود به سبب آن، در حال احرام سر خود را بتراشد،] فدیه بدهد؛ از [قبیل: سه روز] روزه یا صدقه [= اِطعام شش تهی دستِ حرم] یا قربانی کردن گوسفندی [که میان تهیدستانِ حرم تقسیم شود]». در این هنگام رسول الله صلی الله علیه وسلم او را در بین روزه گرفتن سه روز یا غذا دادن به شش فقیر - به هریک از آنها به اندازه ی نصف صاع گندم یا هر غذای دیگری - اختیار می دهد و این کفاره ی تراشیدن سرش می باشد که در حال احرام ناچار به تراشیدن آن شده بود. و در روایت دیگری آمده که او را در بین یکی از این سه مورد مختار نمود.

http://sunnah.global/hadeeth/fa/show/4536